

# نور الهدی منگنه از ...



از زمان کودکی عشق شدیدی به خدمات اجتماعی و ترقیات عالم زنان داشتم. بنابراین از بدو تشکیل جمعیت نسوان وطن خواه ایران عضو هیات مدیره ی آن مجمع بوده و در پیشرفت مرام آن که ترقی و تربیت خانواده های ایرانی بود کوشش فراوان نمودم. ترویج امتعه مرام اصلی جمعیت نسوان وطن خواه بود. روی این اصل من همیشه در منزل، مهمانی، عزا و عروسی، گرما و سرما خود را از پارچه های خارجی بی نیاز ساخته پیوسته لباس وطنی دربرداشتم و مقالات زیادی در این باره در روزنامه های وقت می نوشتم.

برای روشن شدن و تهذیب اخلاق و افکار، امتیاز یک مجله را به نام جمعیت نسوان وطن خواه در سال ۱۳۰۲ گرفتیم و ماهیانه آن را با مسلک ثابت و اندوخته جمعیت اداره می کردیم. عقیده ی من از اول این بوده، هنوز هم این طور است که قبل از هر چیز باید خانواده ها را اصلاح کرد، و می باید مادران آژموده تهیه و تحویل جامعه داد، این رستاخیز هم باید از طبقه ی پایین آغاز نمود. می باید بدون پیرایه و تظاهر، زنانی را که فاقد پرورش و آموزش هستند جمع کرد و برای آنان سخنرانی نمود. با مهر و محبت به آن ها فهمانید که دنیا و جامعه از آن ها چه می خواهد. بنابراین مقالات زیادی در موضوع گزوم تربیت زنان در مجله نسوان وطن خواه نوشته ام.

در آن وقت زنان بی سواد اگر می خواستند درصدد تحصیل برآیند به هیچ وجه وسیله نبود. بنابراین در یکی از جلسات هیات مدیره جمعیت پیشنهاد کردم که خوب است یک کلاس برای زنان بی سواد دایر کنیم و بعد آن را به صورت یک دبیرستان دربیابیم. این پیشنهاد مورد کمال موافقت قرار گرفت، اما برای تهیه و تشکیل چنان کلاسی پول نداشتیم، باز من پیشنهاد کردم که یک نمایش ترتیب بدهیم تا هزینه کلاس از آن راه تهیه و تامین گردد، آن نیز مورد موافقت قرار گرفت (در آن اوقات نمایش یا سینما رفتن برای زنان ممنوع

بود). خانم ها گفتند جای مناسب برای این کار نداریم. من منزل شخصی خود را که واقع بود در خیابان شاهپور کوچه وزیر دفتر که مساحت آن دو هزار متر بود و باغچه و فضا داشت و دارای چندین اطاق بزرگ و کوچک تو در تو و متصل به هم بود که یک سالن آن گنجایش سیصد، چهارصد صندلی را داشت پیشنهاد کردم، خیلی پسندیدند.

از اداره ی شهربانی (نظمین) کسب اجازه شد. تمام هزینه آن نمایش و زحماتش را از قبیل بستن و ساختمان و نجاری، سن، دکور، تهیه صندلی، بوفه و سایر وسایل پذیرایی را شخصا به عهده گرفتم. سه نفر از بانوان ارمنی به نام مادام تریان و غیره تعیل کردند افتتاح را نقش های آن نمایش را ایفا کنند. کارت ها چاپ شد و هر یک از خانم های اعضا چند دانه را گرفته تا به اشخاص نزدیک و شناس خود بفروشد. (لازم است بگویم کارت به نام دعوت عروسی بود و در همان روزها برای دو پسر مستخدمه خود دو عروسی در یک روز در منزل من شده بود، که آن ها را نیز روی صحنه می آوردیم).

این نمایش را در ماه رمضان برگزار کردیم زیرا در سایر ماه های سیال بعد از غروب آفتاب عبور و مرور در کوچه و خیابان ها برای زنان ممنوع و قدغن بود. نمایش مزبور فقط برای بانوان بود. پرده اول نمایش به خوبی اجرا شد، زنان مشغول صرف شیرینی و چای شدند که در حیاط را به شدت کوفتند.

(در حالی که در حیاط باز بود و دو نفر پلیس و دو نفر مستخدم این جانب جلوی در بودند) پی در پی خبر می رسید که از کمیسریا و نظمییه دستور رسیده فوراً متفرق شوید. نخست ما قبول نکردیم و برای انجام کار بافشاری کردیم، بالاخره حریف نشدیم، ناچار به اطلاع خانم ها رساندیم که از طرف نظمییه مانع پیشرفت کار هستند و باید متفرق شوید.

خانم ها زیر بار این حرف رفتند که بعد از اجازه دادن

ممانعت می کنند. و همه یک زبان می گفتند: که این جار چیزی برخلاف شئون اخلاق و اجتماع و حکومت نیست. ولی چاره ای نبود جز آن که پراکنده شوند و شدند. آن شب یک شب بسیار تلخی بر من گذشت که چرا این کار ناتمام و ناقص شد (نه فقط آن شب، چندین شب از ناراحتی اعصاب نخواهیدم).

صبح آن روز همه، جور و واجور فحش می دادند، لعن و تکفیر می کردند و تکیه کلام آنان بر این بود که در خانه یی که در کوچه وزیر دفتر واقع است، صاحب خانه توطئه کشف حجاب را فراهم کرده بود. شایعه کرده بودند که در پرده اول نمایش، مفساد و مضرات وجود چادر و بودن حجاب را نشان داده اند. در پرده ی دوم محاسن و راحتی و خوبی های برداشتن حجاب و نداشتن چادر را نشان داده. بعد همگی چادره را از سر برداشته، صاحبخانه به جلو با دسته ی گلی بر دست و چتری بر روی سر گرفته و سایرین به دنبال او از خانه بیرون آمده به کوچه و خیابان ها و دور شهر بگردند تا مردم از آنان پیروی کرده چادرهای خود را به کنار بیندازند و وسیله ی کشف حجاب شده باشند. این گفتگو در شهر پیچیده شد، مخصوصاً در مسجدها و لوله ی عجیبی ایجاد کرده بود. هر آن خبر تازه ای از گفتار ناروا و طعن و لعن و فحش ها به من می رسید، که در بعضی متبرها گفته می شد...

(از قرار چند نفر از معاندین جمعیت این تهمت و افترا را زده و موجب مشوب کردن اذهان گردیده بودند) یکی دو ساعت از شب بیست و هشتم گذشته بود که ناگهان عده ای از ولگردان و اوباش در منزل مرا شکسته و ناگهان وارد خانه شدند، با چوب و سنگ به من حمله ی وحشیانه کردند، با هر تندی بود خود را از چنگال آنان خلاصی دادم (در حالی که مجروح و از رده بودم) آن چه می توانستند از اشیاء سبک وزن به یغما بردند. بعد از حمله ی آن گروه اوباش دو سه ماهی بیمار و بستری شدم. دنباله فحش و ناسزا تا آخر ماه رمضان کشیده شد. از ماه رمضان چهار روز بیشتر باقی نبود و در همین چهار روز بیشتر از چهل هزار فحش و تهمت و ناسزا نثارم گردید. من مورد سخریه و استهزای اهل محل قرار گرفته بودم.

وضع من بسیار وخیم و وحشتناک شده بود و بیم خطر جانی را داشتم، بنابراین خانه ای اجاره کرده و به زودی از آن جا تغییر منزل دادم. در اوقاتی که گرفتار فحش و ناسزا و طعن و لعن بودم و نیز اوقاتی که بیمار شده و بستری بودم، از خانم های جمعیت غیر از دو نفر (محترم خانم اسکندری و فرخ لقا خانم هدایت) دیگر کسی به سراغ من نیامد. آن ها می ترسیدند که از طرف اشخاص ولگرد مبادا به آنان تخطی و آسیبی برسد، لذا مرا ترک کردند. بعد از چندین هفته که گفتگو مرتفع و آتش فساد خاموش شد، دو مرتبه خانم ها دور هم جمع شده تشکیل جلسات دادیم و آن کلاس بزرگسالان را برای نخستین بار در بین زنان ایران تاسیس کردیم. و بزرگسالان بی سواد استقبال شایانی کردند. بنابراین پایه گزاری موضوع رفتن زنان به نمایش و تهیه کلاس درس برای بزرگسالان به همت من فراهم گردید.

شهرزهدی  
بیت بان اورد که باز نوبت  
سیر کرد که در بهشت زین است  
خطه از نور الهدی منگنه  
در هیچ قره امیوه ایون بند هستی ستی بهیم هایدان کسیرت آتیم شیشه هیچ دربان  
مدار و سرت با طبر مانان خوب کلک کرد  
بده خوب نشند و تیره هسته نیر نشند و زینا نایر بله خوب بنده که درده نوبیم  
بسن پند و در زشت و منزه از سیر که سده شد

# نمایه

مرجعی برای مدیران، پژوهشگران و جامعه کتابخوان ایران.

## لوح فشرده نمایه

حاروی متن مقالات، نقد آثار و گفتگوهای مندرج در نشریات ادواری کشور (روزنامه‌ها و مجلات هفتگی، ماهانه، فصلنامه و...) با قابلیت جستجو در اقلام مقاله‌شناسی، پدیدآورنده، عنوان مقاله، موضوع و نام نشریه برابر با ۲۵۰۰۰ صفحه قطع رحلی در هر شماره مجله نمایه. حاصل ضبط دیجیتال نشریات ادواری لوح فشرده نمایه در هر سال حدود ۳۰۰۰۰۰ صفحه قطع رحلی برابر با ۶۰۰۰۰۰ صفحه قطع وزیری، قابل جستجو در اقلام مقاله‌شناسی: پدیدآورنده، موضوع، عنوان، نشریه و امکان جستجو در متن مقالات است. این تعداد صفحه با ۳۰۰۰ جلد کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای کاملاً روزآمد برابر است. که اگر سرعت کتابخانه‌ها و مراکز تحقیق و پژوهش و اطلاع‌رسانی به طور چشم‌گیری می‌افزاید.

## مدیریت اطلاعات کتابخانه نمایه - نسخه جامع

نرم افزار کتابداری - کتابشناسی و آرشیو اطلاعات / اسناد و مدارک - سیستم امانت. این نرم افزار بر اساس آخرین فناوری‌های موجود منطبق با نیازهای کتابخانه‌های عمومی، تخصصی، دانشگاهی تدوین شده و دارای قابلیت‌های زیر است:

- چاپ فهرست‌گره با چاپ‌گرهای لیزری، سوزنی، جوهرافشان. چاپ کارت عضویت با الصاق عکس رایانه‌ای.
- تعریف فرم‌های ورود اطلاعات توسط کاربر برای انواع مواد کتابخانه‌ای.
- دریافت خدمات پشتیبانی از اینترنت.
- اتصال به سایت نمایه در اینترنت.
- استفاده تحت انواع سیستم‌های عامل window.
- تحت شبکه.
- قابلیت تعریف کاربر بران با سطوح دسترسی مختلف.
- کاردکس نشریات، امکان ورود دستورالعمل‌های مورد نیاز در word.
- امکان دریافت اطلاعات از نرم افزارهای دیگر و سایت کتابخانه کنگره و کتابخانه ملی ایران.
- امکان ایجاد بانک سرعنوان‌های موضوعی، فارسی، مستند، مشاهیر و مولفان و مستند ناشران.
- نشانه مولف فارسی.
- نشانه کاترمن برن انگلیسی.
- بارکد کارت عضویت و امانت کتاب.
- امکان افزودن آدرس‌های اینترنتی به برنامه.
- امکان گزارش‌گیری بر اساس درخواست کاربر.

## مدیریت اطلاعات کتابخانه نمایه - نسخه آسان

(ویژه مساجد، مدارس، کتابخانه‌های شخصی و...)

ویژه کتابخانه‌های مساجد، مدارس، شخصی و... نرم افزار کتابداری، کتابشناسی و آرشیو اطلاعات، سیستم امانت. چاپ فهرست‌گره با چاپ‌گرهای لیزری، سوزنی و جوهرافشان استفاده تحت انواع سیستم‌های عامل windows

## نرم افزار آموزش فهرست‌نویسی

کلیات / فهرست‌نویسی توصیفی / فهرست‌نویسی تحلیلی / ارده‌بندی دیوئی / ارده‌بندی کنگره / مستندسازی نام / برگه‌آرایی / مدد کار فهرست‌نویس / کتابشناسی

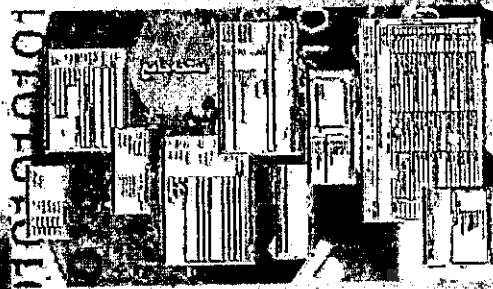
## ایران ۷۸ در آینه مطبوعات ایران

پرونده قتل‌های زنجیره‌ای / حوادث کربلای دانشگاه / انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی / ترور حجازیان به روایت: / مطبوعات / واکنش مقامات رسمی / واکنش نمایندگان مجلس / واکنش مقامات مذهبی / واکنش تشکل‌های سیاسی، اجتماعی / واکنش شخصیت‌ها و رسانه‌های خارجی و...

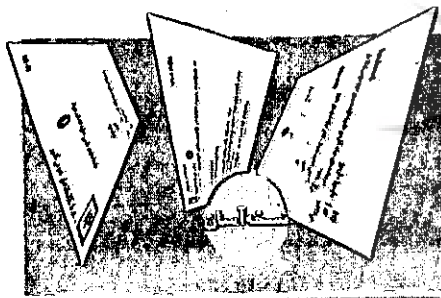
تهران - خیابان ژنرال قزوینی و پلاک ۱۳۸ / شماره ۱۳۸ / کد پستی ۱۳۸۱۳ / شماره ۱۳۸۱۳ / کد پستی ۱۳۸۱۳



لوح فشرده نمایه



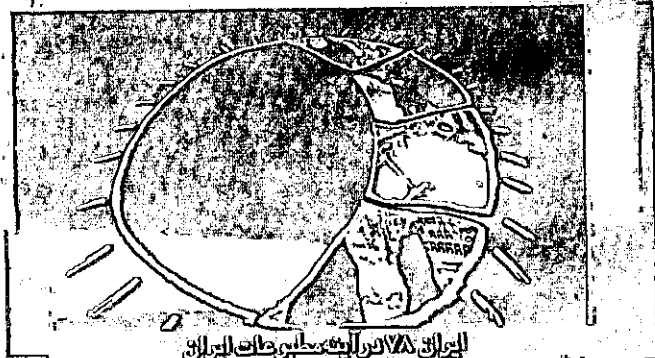
مدیریت اطلاعات کتابخانه نمایه - نسخه جامع



مدیریت اطلاعات کتابخانه نمایه - نسخه آسان



نرم افزار آموزش فهرست‌نویسی



ایران ۷۸ در آینه مطبوعات ایران